

عنوان مراسلات

(رشت)

(اداره آموزگار)

اداره دزد رجوع عدم

درج مکاتب آزاد است

و مطلقاً سترد نمیدارد

یکشنبه طبع و دوشنبه

توزیع میشود

دوشنبه ۱۴ شهر

جمادی الثانی ۹۲۳۱

رشت سالیانه ۶ قران

بلاد داخله ۸ قران

بلاد خارجه ۱۲ قران

تک نمره همه جا

صد دینار

اعلانات سطری

دهشاهی

جمادی الثانی ۱۳۲۹

آموزگار

دولت‌گین

بکشی آموزشگار

۲۹

۱۳

روز نامه ایست علمی اخلاقی ادبی از هر گونه مطالب سودمند بحال ایران سخن میراند

حقوق رنج بران چیست

پست‌تر و کمتر حقوق رنجبران را میتوان معین کرد ولی درجه فوق و بالای حقوق رنجبر معین نیست. بسته باندازه هنر رنجبرانست «زیر ابجد» قانون هیچکس بی‌جهت دارای هیچ حقی نمیشود» و شرح این مطلب محتاج بذکر چهار مقدمه است

مقدمه اول باید دانست که تمام علاقه و نسبتهای عالم دو قسم است یکی «علاقه» و نسبت حقیقی که همیشه در عالم باقی میماند و بهیچ طوری از میان نمیرود مثل علاقه و نسبت پدر و فرزندی چنانچه هرگاه جعفر پسر علی باشد این علاقه پدر و پسر جعفر با علی همیشه باقی است کسی نمی‌تواند از میان ببرد یا کم و زیاد کند یعنی جعفر زنده باشد پسر علی است بمیرد باز پسر علی است ناخوش شود پسر علی است از این ممالک تیرون رود پسر علی است سیاه شود پسر علی است سفید شود پسر علی است مال دار باشد پسر علی است فقیر شود پسر علی است کسی راضی باشد پسر علی است راضی نباشد پسر علی است گدا باشد پسر علی است شاه شود پسر علی است و بالاخره هر طور باشد جعفر و علی از پسر و پدری خارج نمیشوند و دیگری علاقه و نسبت مجازی است یعنی ممکن است از میان برود. مثل علاقه و نسبت ملکی که حسن بیک اسب داشته باشد. این علاقه بمردن از میان میرود. یعنی اگر حسن صاحب اسب بمیرد

دیگر او مالک اسب نیست. اسب مال ورثه او میشود هرگاه بده کار مردم شود و پول نداشته باشد. این اسب مال طلبکار میشود. هرگاه بتوید «بعت فرسی یا صالحت باو بعت» علاقه و نسبت حسن از آن اسب برطرف میشود. و همچنین هرگاه کسی علاقه ملکی بخانه یادکان یا آب یا زمین پیدا کند. این علاقه‌ها حقیقی نیست و مجازی است. بلی این علاقه و نسبت مجازی را کسی بزور و قهر و غلبه نمی‌تواند از میان ببرد. رضای اعضای صاحب علاقه شرط است. از این مقدمه واضح معلوم میشود که آب و زمین و اداسی و از این قبیل چیزها مالک حقیقی هیچکس نیست و مالک حقیقی آنها خدا است. چنانچه خود در قرآن صریحاً فرموده.

ولله ملك السموات والارض

مقدمه دوم آنکه بدو در اول خلقت علاقه و نسبت تمام ملکها و زمینها و آبها و چیزهای دیگر و پسران آدم مساوی بوده. یعنی چنانچه پسران آدم مالک حقیقی نیستند. در بدو خلقت هیچکس مالک مجازی هیچ ملکی هم نبوده. و این علاقه مجازی بعدها پیدا شده. این علاقه مجازی به خریداری حاصل نشده. زیرا که در اول خلقت چنانچه گفتیم مالکی غیر از خدا نبوده و ذات یکتای «الهی» منزله از خرید و فروش ملک است. البته این علاقه بوسیله دیگر حاصل شده

مقدمه سیم اینکه هیچ چیزی بدون جهت و سبب ملک هیچکس نمیشود. یعنی هرگاه کسی بخواهد دارا

و مالک چیزی شود بدون اینکه در مقابل این دارا شدن و مالک شدن چیزی مایه گذارد. بحکم قانون الهی ممکن نیست یا باید در عوض ملکی دیگر بدهد . یا پول بدهد . یا مقداری صرف عمر و وقت خود را مایه بگذارد ، و برای مالک اول کاری انجام نماید، و لذا در شریعت بهترین پیغمبران قمار ممنوع است ، زیرا در قمار بازی . برنده قمار مالک چیزی میشود بدون عوض ، چنانچه قانون الهی صریحا در قرآن تصریح مینماید ، *نه الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان - مقدمه چهارم بحکم تواریخ و اخبار و احادیث ، در بدو خلقت و دوره هر انقلاب ، هر کس دارای علاقه ملکی بیک قطعه از آب و زمین شده ، در عوض و مقابل ابراز یک هنر بوده ، که در آن آب و خاک بکار برده . یعنی مقداری از آب و خاک را بقوت بازو و هنرمندی زراعت کرده و بصورت گندم یا جو یا برنج یا چیز دیگر در آورده . و در مقابل این بروز هنر مالک مجازی آن قطعه زمین و آب شده چنانچه مسئله احياء موات که در کتب فقهیه عنوان مخصوص دارد شاهد این مقال است ، در زمان خاتم انبیاء ص نه مسلمانان بحکم پیغمبر ص ملک و اراضی را مسخر میکردند ، هر کس هر اندازه از زمین را مقبل میشد نه احياء نماید ، یعنی در آن زراعت نماید . بحکم قانون الهی آن زمین ملک آنکس میشد . در این صورت هر کس علم و هنر و دانش و قوه احياء زمین بیشتر داشته باشد علاقه اش بیشتر میشود چنانچه هر گاه فرض کنیم یک نفر بواسطه بسیاری علم و دانش و هنروری و تحمل رنج و تعب در آب و خاک طوری هنر بروز دهد که تمام روی زمین را بتواند احياء نماید . و حاصل خیر کند . و کس دیگری نتواند این یک نفر هنرمند مالک مجازی تمام اراضی میشود .*

پس درجه فوق حقوق راجبان حد معین ندارد

. بسته به بروز هنر است و شخص راجب میتواند از تخوم زمین تا عنان آسمان را دارا شود . ولی در عوض باید ابراز هنر نماید . و اینکه در حدیث آمده که هر گاه تمام روی زمین را لقمه کنند و در دهان عالم دانشمند گذارند هنوز اداء حقوق آن عالم نشده از این باب است . اگر چه مقصود فقط علم زراعت نیست علمی است که بواسطه آن بنی نوع بشر نجات یابند . و به ترقیات بشری نائل گردند هر چه باشد

اما پست تر حقوق راجبان که کمتر از آن بتصور نمی آید میتوان معین نمود . به این تقریر که خداوند مخلوق خود را برای فلاکت و بدختی و گدائی و ندانی و مردن در معابر و کنج بخرابه و ویرانه ها خلق نکرده . و آب و چنین بود دست و پا چشم و گوش و زبان و سایر اعضا بانها نمیداد . این اعضا را که خداوند بمنعمان مخلوق خود داده برای رفع احتیاجات و تحصیل کردن لوازم زندگانی است و در صورتیکه شخص راجب صحیح الخلقه باشد . یعنی کسر و نقصانی در اعضای او نباشد . باید حاصل دست رنج او کفایت رفع احتیاجات او و تهیه لوازم حیات او بگردد . دارای هر شغل میخواهد باشد . اهمیت لوازم زندگانی و رفع احتیاجات یک نفر راجب که صحیح الخلقه است ثنبل و تن پرور نیست هنرمند و کاری است آنست که معیشت سانیانه خود را بطور میانه روی بگذراند . منزلی باندازه کفایت دارا شود . عالی درخور شان خود اختیار نماید . کلو یا گوسفند و اسب به اندازه لزوم داشته باشد . مصارف خانه و اهل و عیال خود را برساند . اولاد خود را در مدرسه صحیح که الزم لوازم حیات است بسپارد . و علاوه بر اینها مبلغی تقدیمه هم همیشه دارا باشد برای چه ؟

اول برای صرف ناخوشی و بیماری های خود و اهل و عیال که در سال اتفاق می افتد . که در

و راه تحصیل آن پیدا نمائید که از حدود قانونی تخلف نشود زیرا مطلوبترین و محبوبترین چیزها در نزد هنرمندان حفظ مقام قانون است چنانچه بعضی شاید این تصورات خام را کرده باشند یا محض عناد و لجاجت سی اینمطلب را بفرقه رنج بران نسبت داده باشد. و ما برای زیادتى اطلاع رنج بران از مقصود و مرام فرقه، و مکتشوف داشتن الهاماتیکه بعضی از راه عناد بفرقه رنج بران بسته و می بندند. در هر شماره از این جریده یک ماده از مواد مرامنامه رنج برانرا تفسیر و تشریح مینمائیم. و مجددا از قارئین محترم تمنایمائیم. شماره های این جریده را بدقت مطالعه نمایند. تا اشتباهی برای هیچکس باقی نماند

مرامنامه فرقه دمکرات ایران

قبل از شروع بذكر ماده اول مرامنامه فرقه رنج بران توضیحا بعرض قارئین کرام میرسانیم که کلمه (دمکرات) که در تمام زبانهای داخله و خارجه معمول است همان بمعنی رنج بر است. دمکرات یعنی رنج بر. و رنج بر یعنی دمکرات. و چون جریده آموزگار غالب مقید است که کلمات را بهمان زبان فارسی معمولی ادا نماید که عموم بفهمند، لذا همیشه بجای کلمه دمکرات، همان رنج بر را مینویسد

ماده اول

از مواد مرامنامه فرقه رنج بران
 «قدرت عالیة دولت جمع خواهد شد در دست مجلس شورای ملی که فقط آن حق وضع قوانین خواهد داشت یعنی چون حکومت وطن ما ملی است و ملت خود حاکم بر خود است و برای اینکه تمام افراد ملت بالا اجتماع ممکن نیست مقصدی امر حکومت و فرمانفرمائی شوند از طرف خود و کلائی انتخاب مینمایند. و در مجلس شورای ملی می نشانند تا امر حکومت را فیصل دهند. بنا بر این اعلا درجه قدرت دولت باید در دست مجلس شورای ملی باشد، که هیچ سلطنت و وزیری بی تصویب مجلس شورای ملی قادر بر هیچ چیز نباشد، تا آنکه حکومت ملی صحیح و اسم با مسمی باشد. والا اگر قدرت عالیة دولت در دست مجلس شورا جمع نشود. حکومت ملی نخواهد بود و اگر ما روز نامجات را بنظر دقت و فهمیدن مطالب قرائت کرده باشیم میبینیم این ماده موافق با یک

موقع بیماری در کوچه و معابر جان ندهند. دویم برای معارف فوق العاده معمولی مملکت از قیل عیدهای ملی. سیم برای دادن اعانه برای تاسیسات خیریه از قیل مدرسه ها و مریم خانها و دارالعبزه و غیره زیرا که معارف خیریه عمومی و مواظبت حال عبزه و اشخاص ناقص الخلقه کور و لنگ و مریم بحکم قانون الهی بعهده سایرین است. اینها حقوقی هستند که باید در سال بهر رنج بر زحمت کش عاید شود. از حاصل دست رنج او. دارای هر شغل که باشد و کمتر از این از برای یک نفر رنجبر منصور نیست و هر رنجبری دارای کمتر از این حقوق باشد برخلاف سنت «الهی» معمول شده. و علنی حقوق حق مسلمة آن رنجبر غصب شده. و چون ما بحال رنجبران نظر نمائیم می بینیم قوت لایموت را در کمال سختی و بدبختی تحصیل مینمایند. و غالب مجبور بدزدی و تقلب میشوند. و اغلب رنجبران محلی برای سکناندارند. و عموما قادر نیستند اولاد خود را بمدرسه بپارند و همگی از داشتن سواد فارسی محرومند. تا چه رسد بعلم. و مخصوصا زارعین قادر بر شوهر دادن دختران خود نیستند. و بالاخره زندگانی غالب رنجبران باندازه زندگانی بهائم هم نیست. از خوانندگان انصافی میخواهیم کدام خر در شبانه روزی که وجود مانده. کدام اسب دارای یک پالان نیست. کدام گاو طویله و مسکن ندارد. آیا رنجبران و زحمت کشان وطن ما قدر و مقامشان باندازه اسب و گاو هم نیست؟ در جزو آدمیان محسوب نیستند؟

اخیرا برادران رنجبر را مخاطب ساخته بانها میگوئیم. مبادا شما تصور نمائید که ثروت مالداران را باید از دست آنها گرفت که ان گمان گمان خطائی است، ما نمیخواهیم مال دازان بی مال شوند میخواهیم حقوق مشروعه رنج بران عاید آنها گردد که همه با ثروت و مکنت شوند بر شماها لازم است که تفتیش و کنج کاوی نمائید تا از حقوق خود واقف شوید

جمله از نطق اول شخص دانشمند ایران والا حضرت
نیابت سلطنت است ، که در اوایل ورود ، در مجلس
اظهار فرمودند و ما آن جمله را عیناً مینگاریم

نطق والا حضرت نیابت سلطنت در مجلس شورا

نمایندگان محترم که بهتر از من میدانند . و این توضیح
فقط برای اطلاع عموم ملت است

بموجب اصل ۱۶ وضع قوانین مملکت حق مجلس شورای
ملی یا مجلسین است . و معلوم است قوانین تقریباً
یعنی قواعدی که روابط افراد ملت را بایکدیگر
و مناسبات آنها را با هیئت دولت مقرر میدارد
موافق اصل ۳۹ قوانین که از مجلس گذشته باید بامضای
سلطنت و با اجرا برسد . یعنی به سلطنت حق تو قیمت
یارد آنها داده شده است

مطابق اصل ۴۴ وزراء مسئول مجلس هستند
بر حسب اصل ۶۷ وزراء با اظهار عدم اعتماد مجلس
حتماً معزول میشوند این اصول را که در نظر بگیریم .
خواهیم دید ، که هر چند بر حسب ظاهر تعیین

رئیس الوزرائی از حقوق سلطنت است . ولی نظر
باینکه مسئولیت وزراء بمجلس است . و بدم اعتماد
اثربت معزل میشوند . برای احترام از عدم اعتماد
مجلس و احترام از ظمهور بحرانهای مقواتر که اسباب
اختلال امور ممالکتی است در تمام ممالک مشروطه از
رسومات و عادات جاریه است که سلطنت مشروطه قبول
نظر اکثریت مجلس را در اعتماد رئیس الوزرائی
بتوسط رئیس مجلس است مناط نموده بعد از تحصیل
اطمینان رسماً او را معین و معرفی میکند اختیار انتخاب
وزراء دیگر نیز بمسئولیت خاص رئیس

وزراء است که هر کس را با خود موافق و متعهد ملک بدانند
معرفی نماید . پس از این استدلال قانون اساسی بخوبی
واضح میشود . که قوه مقننه و قوه مجریه که با هم قدرت
مملکت را تشکیل میدهد هر دو از اختیار سلطنت خارج
هستند قوه قضائیه هم که بطریق اولی مربوط بسلطنت
نیست بنابراین تمام اختیار و مسئولیت امور مملکتی
معناً و صورتاً با مجلس شورای ملی یا مجلسین و هیئت
وزراء است

ای نسیم سحری لحظه از مهر خدا را
رو سوی مرکز زن بوسه مقام و کلارا
شرح ده حالت ما رنج کشان و فقرا را
پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفارا
الله تو فراموش مکن صحبت ما را

هر که در دل وطنما تخم وفای تو نکارد
خلوت خاطر خود را بخیات نسپارد
حاصلی وقت درو جز غم و اندوه نیارد
قیمت عشق نداند قدم صدق ندارد
سست عهدی که تحمل نکند بار جفارا

ای وطن زین غم محنت شوی آزاد آلهی
حال اعدای تو هر روز نه درو بتباهی
اندر این نشئه تنها له تو مقصود و پناهی
گر مخیر بکنندم بقیامت که چه خواهی
دوست مارا و همه نعمت فر دوس شمارا

گفت بیچاره رسول زاده که در غم بسیچم
شدم آواره وطن از تو و باران کریچم
گرچه دورم ز تو گردنم بدادند بهیچم
گر سرم می رود از عهد تو سر باز نیچم

تا گویند پس از من که بسر برد وفارا
نخل مشروطه خدایا چه شود بارور آید
اختیارات اتم صرف بکار دگر آید
جمع آواره کیان وطنی از سفر آید
خنک آن رنج که یارم بعیادت بسر آید
دردمندان چنین درد نخواهند دوارا

نایب السلطنه را باد صبا خیزو خار کن
کای امید همه ایران بتو خود فکر در کن
غرفه بهر فنایم زما دفع خاطر کن
باوراز مات نباشد بوطن نیک نظر کن

تا بدانی که چه بوده است گرفتار بلارا
این وطن هست همان خاک که تماش بودایران
پرورش گاه دوصد کاوه بدو سام نریمان
چند امروز که هستند همه صورت بیجان

سر انکشت تحیر بگردد عقل بد ندان
چون تامل کند انصورت انکشت نما را
ای وطن ای که برد هستی ماهست ز بودت
شرک نبود بخدا گر بنما یم سجودت
دین اسلام شود محور بکای ز نبودت
آرزو میکشدم شمع صفت پیش و جودت

که سراپای بسوزند من بی سرو پا را

تلسگراف از ارومیه بروزنامه ار اود منطبقه تبریز
هول عثمانی در شهر اوغنی که نزدیک سرحد ایران
است سالار الدوله برادر محمد علی میرزا را دستگیر
کرده و بقریه شمزدینان که یکی از قصبه جات عثمانیست فرستاده

اعلان

تمبرهای باطله بستی ایران بقیمت مناسب خریداری
میشود محل خرید مهمانخانه شوشه رو بروی سرای
کامراهی هفته دوروز جمعه یکشنبه از سه ساعت بظهر ماند
الی ظهر و سه ساعت از ظهر گذشته الی یکساعت بغروب
برای خرید حضراست
(لیون شهر یانس)